

پژوهشی در جایگاه و اعتبار روایات طبی

مریم شریف پور^۱، ملیکا کردلوئی^۲

^۱دکترای معارف اسلامی استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران.

^۲دکترای الهیات استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران.

نویسنده مسئول:

ملیکا کردلوئی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۲۹-۴۰

چکیده:

مراجعه به احادیث در فهم آموزه های دین، عملکردی آشنا در اندیشه دینی است؛ از همان صدر اسلام، عالمان مسلمان برای فهم ژرفای دین به احادیث مراجعه می کردند از این رو زمانی که سخن از بهره مندی از احادیث در یک حوزه دانشی خاص مانند پزشکی است، استفاده محتوایی از آن اهمیت ویژه ای یافته و ضرورت نگاه تخصصی به موضوع مطرح می شود. امروزه با توجه به اقبال عام و رویکردهای افراطی و تفریطی به طب سنتی، اسلامی، شاهد بروز پیامدهای ناگواری در حوزه سلامت عمومی هستیم که می تواند تردیدی در تمام گزاره های دینی ایجاد نماید؛ هرچند رویکرد عالمان در مواجهه با روایات طبی مختلف است، اما غالب عالمان مسلمان، عرضه روایت بر قواعد نقد و پالایش حدیث را لازم می دانند و با توجه به چالش ها و پیچیدگی های بسیاری که در این نوع از روایات وجود دارد بررسی آنها از سوی صاحب نظران امری ضروری است در این نوشتار با بررسی دیدگاه حدیث پژوهان، مبانی سندی و متنی اعتبار روایات طبی بررسی شده است و در اعتبار سندی روایات طبی، علمای اسلام ضمن اتفاق نظر بر پذیرش روایات طبی متواتر و محفوف به قرائن صحت، در حجیت روایات طبی غیر محفوف به قرائن که توسط ثقه نقل شده باشد همانند سایر روایات دو دسته شده اند و اختلاف نظر دارند. با توجه به ماهیت تجربی موضوع طب، معیار عدم مخالفت با تجربه و یافته های علمی در میان معیارهای عمومی نقد متن اهمیت ویژه ای دارد. همچنین به بخشی از معیارها در نقد بیرونی اشاره کردیم معیارهایی که در حل پیچیدگی های این دسته از روایات می تواند راهگشا باشد نظیر سنجش اصالت روایت و کتب و بررسی سلامت روایت از حیث تحریف و تصحیف، تقطیع و نقل به معنا.

کلیدواژگان: حدیث، طب، اعتبار، فهم روایات، نقد درونی، نقد بیرونی، دستاوردهای قطعی علم

وظایف و شئون معصومان (ع)

معصومان (ع) با نگاه واقع گرایانه به انسان، به مفاهیم سلامتی، بیماری و درمان او توجه کامل داشته اند. از همین رو بخش قابل اعتنایی از روایات معصومان ع را احادیث پزشکی تشکیل می دهد. معصومان (ع) همتای قرآن کریم هستند و با توجه اینکه شان قرآن، هدایت است نه بیان مسائل علمی؛ بنابراین شأن پیامبر (ص) و جانشینان حضرت (ص) نیز هدایت مردمان است. نه بیان مسائل درمانی و پزشکی. ایت الله مصباح نوشته است: «شأن پیامبر (ص) هیچ گاه این نبوده که مسائل طبی و فیزیکی را بیان کند، بلکه شأن پیامبر (ص) هدایت بوده است و بشر باید با انگیزه خود علم را کسب کند. مسائلی که از سوی پیامبر اسلام (ص) در این زمینه ها مطرح شده تنها در حکم تفضل و کمک بوده است. (مصباح، م ۱۳۸۵/۱۲/۱۱).

سیره پزشکی پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)

با مراجعه به کتب سیره و تاریخ، مواردی از مراجعه پیامبر (ص) به طبیب در هنگام بیماری نقل شده است. برای نمونه در کتاب نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، آمده است: حضرت (ص) در اواخر عمر بسیار بیمار می شدند و پزشکان عرب و عجم نزد او می آمدند و معالجه می کردند. (کتانی، ۲۱۳). برخی روایات نیز بیانگر این امر است که حضرت (ص) بیماران را به پزشک ارجاع می دادند؛ روایتی در بحار الانوار نشان می دهد که «... روی آن رجلا جرح علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: ادعوا له الطیب فقالوا یا رسول الله و هل یغنی الطیب من شیء؟ فقال: نعم ما أنزل الله من داء الا أنزل له شفاء»، مردی در زمان رسول خدا (ص) زخم خورد. حضرت (ص) فرمودند: برایش پزشک بیاورید. گفتند: یا رسول الله (ص) پزشک سودی دهد؟ فرمود: آری خدا دردی نداده، جز آن که درمانی برایش نهاده است. (مجلسی، ۷۲/۵۹) در طبقات ابن سعد نیز درباره «حارث بن کله» چنین آمده است: او پزشک عرب بوده و پیامبر (ص) هرکس را که بیمار بود فرمان می داد پیش او برود و از بیماری خود از او بپرسد (واقعی ۳۹۲/۶)؛ برای نمونه سعد بن ابی وقاص چنین می گوید: بیمار شدم؛ پیامبر (ص) به عیادت من آمدند و دست خود را میان سینه ام نهادند که سردی و لطافت آن را در قلب خود احساس کردم، و به من فرمودند: تو از لحاظ قلبی بیماری، به حارث بن کلهه ثقی می باشد. (همان، ۱۲۶/۳).

بنا به نقل تواریخ، حارث بن کلهه دانش آموخته جندی شاپور فارس بوده و بنا بر قول برخی از این کتب، وی اسلام نیاورد. (ابن عبدالبر، ۲۸۳/۱؛ ابن اثیر، ۳۸۴/۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۶۸۷/۱). ذکر این موارد توجه به امر ارجاع پیامبر (ص) به طبیب غیر مسلمان است در مقابل تفکر مخالفان پزشکی نوین، که به علت برآمدن از فرهنگ و تفکر غیر اسلامی آن را نمی پذیرند. دلیل دیگر بر صحت این نظر روایتی از امام جعفر صادق (ع) است درباره کسی که یهودی یا ترسا او را مداوا کند، سؤال شده است؛ أنه سئل عن الرجل یدأویه الیهودی و النصر قال: فرمود: لا بأس انما الشفاء بیدالله؛ باکی ندارد، همانا درمان به دست خداست. (مجلسی، ۷۳/۵۹).

در کتب تاریخ و مقاتل از حضور پزشک بر بالین امیرالمؤمنین (ع) و طبابت وی بر روی ایشان گزارش شده است؛ برای نمونه در ترجمه مقتل امیرالمؤمنین (ع) ابی الدنیا، چنین آمده است: چون ابن ملجم، علی (ع) را ضربت زد، ابن اثیر کندی که پزشک بود، بر بالین علی (ع) فراخواندند. ابی الدنیا (۶۴). همچنین شیخ عباس قمی در کتاب منتهی الامال به نقل از ابوالفرج اصفهانی آورده است: به جهت معالجه زخم امیرالمؤمنین (ع)، اطباء کوفه را جمع کردند، و عالم تر آنان در عمل جراحی شخصی بود که او را اثیر به عمرو می گفتند. سپس به تشریح اقدامات طبیب می پردازد. بر اساس مطالب گزارش شده از سیره علوی، نشان از استفاده از درمان طبیبان است. در سیره امام حسن (ع) نیز در ذکر وقایع شهادت حضرت (ع)، از حضور طبیب برای معاینه ایشان توسط طبیب گزارش شده است. (شریف قریشی، ۵۸۶/۲). همچنین در کتاب منتهی الامال از حضور امام جواد (ع) نزد طبیب برای فصد گزارش شده است. (قمی، ۱۴۲۱/۲). بر اساس مطالب ذکر شده، روش است که برخی از معصومان (ع) به طبیب برای مداوا مراجعه می نمودند و این امر گاه با حضور معصوم دیگر و حتی مراجعه به طبیب غیر مسلمان نیز صورت گرفته است. همچنین ارجاع بیماران توسط معصومان (ع) به پزشک مؤید این مطلب است که هدف از رسالت و امامت، هدایت انسان به سمت سعادت است و ورود پیشوایان دینی و طبابت ایشان به جهت اثبات حقانیت و نشان دادن علم و قدرت لدنی ایشان به مردم است که خدای متعال به ایشان عطا فرموده است.

وجود روایات طبّی

وجود روایاتی در عرصه طب، بهداشت، پیشگیری از بیماریها و مهارت درمان آنها نشانگر آن است که قلمرو دین افزون بر عرصه های معنوی، اموری دیگر همچون طب و بهداشت را نیز در بر می گیرد. (مجلسی، ۵۹/۲۸۹-۳۵۹؛ بخاری، ۷/۱۱-۳۳؛ ابی داود، ۲/۲۱۹-۲۳۰؛ ابن ماجه، ۲/۱۳۷؛ حاکم نیشابوری، ۴/۱۹۶-۲۲۰)

در سخنی منتسب به امام علی (ع)، علم به سه دسته تقسیم شده و در کنار یادکرد از نحو عربی و علم دینی، به دانش طب اشاره شده است. (ابن شعبه/۲۰۸). در برخی نصوص دینی، ائمه خود را بهترین طبیبان معرفی کرده اند. برای نمونه روایتی منتسب به امام باقر (ع) است. (ابن بسطام/۸۱) که نشانگر اهمیت طب نزد آنان است.

وجود روایاتی که بیان می دارد مسلمانان به ویژه شیعیان هنگام بیماری از پیشوایان دینی راه چاره طلب کردند و افزون بر مراجعه حضوری و درخواست تجویز و معجون حتی گاه با ارسال نامه انجام شده است که نشانگر اقبال گسترده در این زمینه است. (مجلسی، ۵۹/۱۴۳). حضور ائمه در مناظرات طبّی (ابن بابویه/۲/۵۱۱-۵۱۴) و بازگو کردن تجویزهای طبیبان نزد پیشوایان و مشورت خواهی از آنان (ابن بسطام/۶۱) از دیگر نشانه های جایگاه والای پیشوایان دینی در مسائل پزشکی است.

نتیجه اهتمام پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به مسائل مختلف حوزه سلامت، در حجم گسترده ای از روایات قابل مشاهده است که در جوامع حدیثی ثبت شده است. نخست به شکل بابی مستقل در جوامع روایی که برای نمونه به بخاری ۷/۱۱-۳۳ و کلینی ۶/۲۴۲-۴۳۰ می توان اشاره کرد. و سپس تألیف آثاری مستقل در این حوزه که برای شناسایی اولین کتب می توان به فهرست ابن ندیم ۲۴۴ و حاجی خلیفه ۲/۹۵ ارجوع کرد. در سالهای اخیر با گرایش به طب سنتی و اسلامی مراجعه به احادیث و روایات رو به افزایش است.

گذری بر گستره طب روایی

بخش قابل توجهی از میراث حدیثی مسلمانان را روایات مربوط به پزشکی تشکیل می دهد. مسائل مطروحه در روایات طبّی، دامنه گستره ای دارد و از جنبه های مختلفی به سلامت انسان پرداخته شده است. برخی از این روایت ها حاوی دستورالعمل هایی برای سلامت و پیش گیری است. برشمردن فواید غذایی، دارویی خوراکی ها و آشامیدنی ها، حجم گستره ای از متون روایی را در بردارد (مجلسی ۵۹/۲۱۵-۲۴۳)، از دیگر مطالب پر تکرار، روایاتی مربوط به مزاج شناسی است. (طب الرضاع ۴۷-۴۹)

اما آنچه بیش از همه مورد توجه بوده است. راهکارها و تجویز داروها برای درمان است. (ابن بسطام/۷۱-۷۲-۸۵؛ شبر ۲/۲۲۵-۳۶۵) شایان ذکر است بخش گسترده ای از ابواب طبّی به تأثیرات ماوراء طبیعی و درمان روحی اختصاص دارد مواردی مانند: دعا درمانی (کلینی ۲/۵۲۱) یکی از مفصل ترین آثار در این باره مجمع الدعوات غیاث الدین علائی است که شامل مجموعه ادعیه و اورادی برای پیشگیری و درمان بیماریهاست، همچنین مجموعه ای از تعویذ ها و حرز ها در روایات طبّی از ائمه ع به ثبت رسیده است. (ابن بسطام/۱۲۳؛ کلینی ۸/۱۰۹) و همچنین پیشوایان دین اسلام، انجام کارهای خیر و ثوابی مثل قربانی و صدقه را در شفای بیماری مؤثر دانسته اند. (ابن غیاث الدین/۱۶)

دسته بندی روایات طبّی

ابن قیم جوزی امراض را به دو دسته امراض بدنی و امراض روحی تقسیم کرده است و روایات طبّی را ناظر به این دو دسته دانسته است: طب بدن و طب روان.

مجموعه روایات طبّی روان و تن را به دو مرحله پیشگیری و درمان با بیان توصیفی و یا دستوری می توان تقسیم نمود.

روایات پیشگیری

برخی از روایات به صورت توصیفی یا دستوری به پیشگیری از امراض اشاره دارند؛ به این معنا که در این دست از روایات عمل به این دستورها یا توصیه ها روان و جسم را از مبتلا شدن به بیماریها حفظ می کند. مثلاً گفته شده است برای دور ماندن از تغییرات ناگهانی آب و هوا در آغاز سرما از خود بیشتر مراقبت کنید. «توقوا البرد فی أوله، و تلقوه فی آخره فأنه یفعل فی الأبدان کفعله فی الأشجار أوله یحرق و آخره یورق» نهج البلاغه حکمت ۱۲۸

روایات درمانی

بخش اعظمی از روایات طبّی را می‌توان در این دسته قرار داد. یعنی روایاتی که به مرحله‌ای پس از ابتلای انسان به بیماری روانی و جسمی توجه کرده‌اند. نظیر اینکه در روایات توصیه شده که تب را با سیب یا با استفاده از آب سرد درمان کنید. (مجلسی، ۹۲/۵۹)

ارا و نظرات از منشأ علم پزشکی معصومین (ع)

دیدگاه متفکران اسلامی درباره‌ی منشأ علم پیامبر (ص) و ائمه (ع)، متفاوت است. برخی معتقدند علم معصومین (ع) در مسائل طبّی مانند امور دینی، و حیانی است. از جمله شیخ مفید به صراحت، می‌نویسد: «طب، صحیح است و علم بدان ثابت و طریق آن وحی می‌باشد و علما آن را از پیامبران گرفته‌اند، چه هیچ راهی برای فهم حقیقت درد و دوا مگر به سماع و توقیف نمی‌باشد». مفید/۱۴۴ ابن طاووس نیز در نفس المهموم با شیخ مفید هم نظر است و منشأ تمام علوم را و حیانی دانسته است. «ان الله تبارک و تعالی اهبط آدم من الجنة و عرفه علم کل شیء فکان مما عرفه النجوم و الطب» (ابن طاووس/۲۲) خدای تعالی آدم را از بهشت بر زمین فرود آورد و از جمله دانش‌هایی که به وی آموخت، طب بود. ابن قیّم جوزی نیز اقوال و افعال پیامبر (ص) در طب را الهی و صادر از وحی و مشکات نبوی و کمال عقل می‌داند. (ابن قیّم/۴) در مقابل برخی از عالمان اسلامی به طور کلی منکر و حیانی بودن دانش طب هستند و آن را ثمره پیشرفت و تمدن بشری و مأخوذ از طب تجربی دانسته‌اند. از جمله ابن خلدون که اندیشه وحی انگاری روایات پزشکی را به تمامه رد می‌کند و علم به امور دنیوی از جمله طب را رسالتی دینی و پیامبری به شمار نمی‌آورد در نتیجه احادیث پزشکی را در حوزه شرع نمی‌داند. البته ابن خلدون معتقد است که چنانچه فردی با قصد تبرک و با اعتقاد و ایمان، روایات طبّی را به کاربندد، اثری نافع خواهد داشت؛ هرچند دیگر از مقوله طب نخواهد بود (ابن خلدون/۱/۶۵۱) خواجه نصیرالدین طوسی نیز به صراحت یادآور می‌شود که تعلیمی از سوی پیامبران در زمینه علم طب و طبّ گیاهان دارویی نرسیده است. (خواجه نصیر/۳۶۷) در این میان نظریات بینابینی هم وجود دارد بدین معنا که برخی از آنها ریشه در وحی دارد و برخی دیگر، بیان تجربه‌های پیشوایان دینی و یا برگرفته از تجارب دیگران است؛ از جمله طرفداران این نظریه، شیخ صدوق و محمد باقر مجلسی هستند. (ابن بابویه الف/۸۹-۹۱؛ مجلسی ۷۴/۵۹).

تألیف‌ها پیرامون طب روایی

از سده دوم هجری به بعد با اهمیت یافتن کتابت حدیث، روایات طبّی نیز در مهمترین کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل سنت ثبت شد. (بخاری، ۱۱/۷-۳۳؛ کلینی، ۴۳۰/۲۴۲/۶) اما گرایش به تألیف آثاری مستقل در طب روایی، به بعد از عصر ترجمه باز می‌گردد. ظهور نص‌گرایی اصحاب حدیث متأخر در سده‌های متقدم هجری، بر رشد آثار طب مأثور افزود و محدثان کوشیدند تمام علوم مورد قبول خود، از جمله طب را از رهگذر حدیث ارائه کنند. (پاکتچی ۸۵/۱-۸۹)

الف: مصادر شیعی که بخشی از آنها به روایات پزشکی اختصاص دارند:

۱. فقه الرضا، منسوب به امام رضا ع (م ۲۰۲ق)، باب الطب، ص ۳۴۰-۳۴۱
۲. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد بن حیون (۳۶۳ق) کتاب طب، ج ۲، ص ۱۳۵
۳. السرائر، محمد بن احمد بن ادریس (۵۴۳-۵۹۸ق) کتاب الطب، ج ۲، ص ۱۳۷
۴. المذهب، ابن براج (۴۰۰-۴۸۱ق) کتاب الطب، ج ۲، ص ۴۴۴-۴۵۲
۵. الفصول المهمه فی اصول الائمه، محمد بن حسن عامری (۱۰۲۳-۱۱۰۴ق) کتاب الطب نشر مؤسسه آل بیت ج ۳ با ۴۳۲ روایت
۶. بحار الانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱ق) کتاب الطب، باب الزکام، ج ۵۹ و ج ۹۵، ص ۱۸۳
۷. طب الرضا یا الرسالة الذهبیه، منسوب به امام هشتم (ع) مهمترین اثر طب مأثور به شمار می‌آید
۸. طب الائمه منتسب به عبدالله و حسین، فرزندان بسطام (م ۳۴۱)
۹. طب الائمه، سید عبدالله شبّر (۱۱۸۸-۱۲۴۲ق)
۱۰. موسوعه الاحادیث الطبیّه محمدی ری شهری با عنوان دانش نامه احادیث پزشکی ترجمه شده است.

ب: مصادر اهل سنت که بخشی از آنها به روایات پزشکی اختصاص دارند:

۱. صحیح بخاری (۲۵۶ق) کتاب الطب، کتاب المرض و الطب، ج ۷، ص ۲، ۱۲۰ حدیث
 ۲. صحیح مسلم (۲۶۱ق)، ج ۷، ص ۱۳، ۱۲۰ روایت
 ۳. سنن ابن ماجه (۲۷۳ق) کتاب الطب، ج ۲، ص ۱۱۳۷
 ۴. سنن ابی داود (۲۷۵ق)، ج ۲، ص ۲۱۹
 ۵. سنن الکبری، نسائی (۳۰۳ق) کتاب الطب، ج ۶، ص ۳۵۲
 ۶. المستدرک الحاکم نیشابوری (۴۰۵ق) کتاب الطب، ج ۴، ص ۲۲۰
 ۷. مجمع الزوائد، هیشمی (۸۰۷ق) کتاب الطب، ج ۵، ص ۸۴
 ۸. شرح مسلم النووی، باب الطب و المرض، ج ۴۱، ص ۱۶۹
 ۹. المصنف ابن ابی شیبہ، کتاب الطب، ج ۵، ص ۴۲۱
 ۱۰. الطب النبوی، ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۲ یا ۴۳۳ق)
 ۱۱. الطب النبوی، موفق الدین عبداللطیف البغدادی (۵۷۷-۶۲۹ق)
 ۱۲. الطب النبوی، ابن قیم جوزیه (۶۹۱-۷۵۱ق)
 ۱۳. المنهج السوی و المنهل الروی فی الطب النبوی، جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۰ق)
- و سرانجام در دوره معاصر با ظهور بحث های اعجاز علمی، نویسندگانی سعی کردند با نگاه به پزشکی مدرن، روایات را تحلیل کنند. برای نمونه کتاب های:

الاعجاز الطبی فی السنه النبویه، مویل؛
موسوعه الاعجاز العلمی فی الحدیث النبوی، احمد شوقی؛
الاعجاز الطبی فی القرآن و السنه، جزائری.

ارزیابی احادیث طبی

با فاصله گرفتن از عصر حضور معصوم، حدیث تنها طریق دستیابی به گفتار و کردار ایشان است؛ به همین دلیل غالب عالمان، سنجش اعتبار سندی و دلالتی روایت را در اولویت قرار دادند از مسائل مهم در استناد به این روایات شیوه اعتبار سنجی آنها از جهت سند و متن است.

جایگاه سند در حجیت روایات طبی

برای بررسی دیدگاه علما درباره شرایط سندی حجیت روایات طبی باید دیدگاه های ایشان را درباره حجیت خبر به دست آورد. تا از این خلال نظر ایشان درباره روایات طبی نیز روشن شود.

خبر از نظر تعداد راویان به خبر متواتر و احاد تقسیم می شود در تعریف خبر متواتر آمده است: خبر یا حدیث متواتر خبری است که در هر طبقه آن تعداد راویان تا معصوم (ع) به حدی باشد که امکان توافق آنها به دروغ محال باشد. (مودب/۲۳-۲۴؛ خطیب بغدادی، ۱/۱۶). مامقانی در تعریف خبر متواتر آورده است: « خبر گروهی از راویان که کثرت آنها از جهت تعداد به حدی برسد که تبانی و اتفاق آنها بر دروغ محال باشد». (مامقانی، ۱/۸۹-۹۰).

در مقابل خبر متواتر، خبر واحد قرار دارد. مامقانی در تعریف خبر واحد چنین می گوید: « خبر واحد آن است که به حد تواتر نرسد؛ چه آن خبر یک راوی داشته باشد یا راویان زیاد داشته باشد» (همان ۱/۱۲۵). به بیان دیگر مهم ترین شاخص خبر واحد که سبب تمایز آن از خبر متواتر است، آن است که تعداد راویان آن به گونه ای نیست که موجب علم به مضمون خبر شود. حجیت خبر متواتر مورد اجماع همه علماست، اما حجیت خبر واحد و شرایط آن در میان ایشان مورد اختلاف است. که دیدگاه علما را در این زمینه به چهار دسته می توان تقسیم نمود.

حجیت خبر واحد به طور مطلق

در بین امامیه، اخباریان خبر واحد را به طور مطلق و در همه زمینه ها حجت می دانند. ملا امین استرآبادی تلاش نموده است تا دلایلی برای اعلام حجیت هر دسته از اخبار احاد ارائه نماید به نحوی که به جز روایات متعارض، عمل به سایر روایات واجب باشد. وی در این باره می نویسد: اخبار غیر متواتر دو نوع است: خبر واحدی که متصل به قرینه ای باشد که آن قرینه موجب علم شود از جمله قراین، مطابقت خبر با ادله عقلیه، مطابقت خبر با ظاهر قرآن یا مضموم قرآن و مطابقت با سنت قطعی، و اجماع مسلمانان بر خبر واحد و مطابقت خبر با اجماع فرقه حقه (امامیه) است. و قسم دوم خبر غیر متواتر آن است که خبر واحد از همه قرائنی که بیان شد خالی باشد. پس عمل نمودن به این خبر واحد با بودن شرایطی جائز است اگر خبری با اخبار دیگر تعارض نداشته باشد، این کار باعث واجب شدن عمل به آن خبر می شود (استرآبادی/۱۴۱-۱۴۲) به این ترتیب، اخباریان دائره روایات معتبر را بسیار وسیع می دانند و علاوه بر اعتقاد به حجیت کامل روایات کتب اربعه، مجموعه وسیعی از روایات سایر کتب را نیز حجت شمرده و روایات را به طور مطلق در همه امور به طور مساوی معتبر و حجت می دانند. در بین اهل سنت نیز علمایی، بدون اشاره به تقسیم خبر به واحد و متواتر آن را به صحیح و حسن و ضعیف تقسیم کرده اند و حجیت روایات صحیح را به صورت مطلق پذیرفته اند. (ابن صلاح، ۱/۱).

حجیت خبر واحد در غیر عقاید

برخی از علما خبر واحد را در عقاید حجت نمی دانند، اما در غیر عقاید حجت می دانند. چنان که علامه شعرانی خبر واحد را در اصول دین قابل استناد نمی داند: مطلق خبر واحد در ابواب اصول دین قابل استناد نیست. (رازی، ۹۹/۱) در نتیجه طبق این دیدگاه خبر واحد در امور طبیی حجت است. همچنین که کاشف الغطاء نیز اخباری که مربوط به اخلاق و طب است، بی نیاز از بررسی سندی و متنی می داند و می نویسد: روایاتی که درباره امور اخلاقی و تهذیب نفس و روح و عقل و ملکات و روایاتی که درباره جسم، صحت و بیماری و طب، خواص میوه ها، درختان و ... باشد، جایز است که به آن روایات اعتماد شود و عموم مردم به آن عمل نمایند. و نیازی به بررسی صحت متن و سند آنها نیست، مگر اینکه قرائن و امارات بر دروغ بودن آن روایات به دست آید. (آل کاشف الغطاء/۴۷-۵۱).

آیت الله جوادی آملی نیز در معارف غیر اعتقادی که طب نیز از زیر مجموعه آن است، قطعی بودن روایات را شرط نمی داند، و در معارف غیر اعتقادی که نه اصول دین است و نه از احکام عملی، بلکه از معارفی است که بیانگر مسائل علمی و آیات الهی امثال مسائل علمی و طبیی و ... است و افاده ظن و گمان را مورد استناد می داند؛ چون روایات که مبین این بخش از معارف است، نه نیاز به ثمره عملی دارد (چنان که در احکام شرط است) و نه جزم علمی (مانند معارف اعتقادی)، بلکه روایات غیر قطعی در حد احتمال قابل پذیرش است. (جوادی آملی، ۱۵۶/۱-۱۵۸). طبق دیدگاه این گروه، خبر واحد در غیر عقاید که روایات طبیی نیز از زیر مجموعه آن است، حجت است و نیاز به بررسی سندی و متنی ندارد.

عدم حجیت خبر واحد در غیر فقه

علامه طباطبایی خبر واحد را در غیر فقه دارای حجیت نمی داند و حجیت خبر واحد را مختص به فقه می داند: خبر غیر قطعی که در اصطلاح خبر واحد نامیده می شود و حجیت آن در میان مسلمانان مورد اختلاف است، منوط به نظر کسی است که به تفسیر می پردازد. در اهل سنت نوعاً به خبر واحدی که در اصطلاح صحیح نامیده می شود، مطلقاً عمل می شود و در شیعه آنچه اکنون در علم اصول تقریباً مسلم است، این است که خبر واحد موثوق الصدور در احکام شرعی حجت است و در غیر آنها اعتبار ندارد. (طباطبایی/۶۱). همین دیدگاه علامه طباطبایی را در المیزان به طور روشن تر این چنین می خوانیم: روایات احاد از نظر ما حجت نیست، مگر آنکه محفوف به قراین علم آور باشد؛ یعنی اطمینان کامل شخصی ایجاد کند، اعم از اینکه اصول دین باشد یا تاریخ یا فضایل یا امثال آن، تنها در فقه است که خبر واحد عاری از قرائن حجت است؛ زیرا اطمینان نوعی در حجیت روایت کافی است (طباطبایی، ۱۴۱/۸).

قائلین به عدم حجیت خبر واحد

عده ای از دانشمندان معتقد به عدم حجیت خبر واحدند. شیخ مفید از نخستین افرادی است که نظر به عدم حجیت خبر واحد بدون همراهی قرائن داده است. (شیخ مفید/۴۴) سید مرتضی و ابن ادریس حلی نیز از علمای پس از ایشان اند که به شکلی سخت گیرانه حکم به عدم حجیت

خبر واحد داده اند. ابن ادریس در کتاب السرائر از قول شریف مرتضی چنین نقل می کند: «...ما در شریعت عمل نمودن به خبر واحد را باطل نموده ایم؛ زیرا خبر واحد نه موجب علم می تواند باشد و نه عملی را می تواند واجب کند. زیرا خبر واحد را اگر شخص عادل دهد، حداکثر گمان و ظن به صادق بودن آن شخص حاصل می شود و کسی که گمان صادق بودنش را می دهد، ممکن است دروغ گو باشد. (حلی، ۴۷/۱) طبق این دیدگاه خبر واحد فی نفسه حجت نیست و تنها اقتراّن به قرائن قطعی است که موجب حجیت خبر واحد می شود. بر این اساس اخبار طبّی نیز مانند هر خبر دیگر، تا زمانی که قرینه قطعی به صحت آن موجود نباشد، حجیت ندارد. (مهریزی، مهدی و محمد عارف حیدر قزلباش؛» مبانی اعتبار روایات پزشکی» جستارهایی در اعتبار سنجی و فهم روایات طبّی، ۳۳۷-۳۴۲)

خبر واحد و روایات طبّی

با توجه به دیدگاههای متفاوت علمای اسلامی درباره جایگاه سند در حجیت خبر واحد، می توان این نظرات را در چهار دسته تقسیم نمود: گروه اول: خبر واحد ذکر شده در کتب حدیثی مشهور را به جهت همراهی با قرائن حجت می دانند. گروه دوم: حجیت اخبار طبّی را مشروط به صحت سند و گزارش روایت توسط راویان ثقه دانسته اند. گروه سوم و گروه چهارم: اخبار واحد طبّی را تنها به شرط همراه بودن با قرائن علم آور، حجت می دانند و صحت سند را به تنهایی در اثبات حجیت این اخبار کافی نمی دانند.

نقد درونی و بیرونی در بررسی روایات طبّی

پس از نقد سند در ارزیابی روایات، نقد محتوایی و متنی روایات در تعیین اصالت نوشته و پرسش از اعتبار آن حائز اهمیت است. زیرا وجود آسیب هایی از جعل و تحریف، تقطیع و نقل به معنا، منجر به این امر شده است که نقد روایی - درایی برای درک صحت و سقم احادیث نیز به کار گرفته شود.

معیارهای سنجش متن حدیث

مطابقت حدیث با قرآن کریم و سنت قطعی

خداوند در سوره انعام قرآن را تفصیل دهنده قرار داده است می فرماید: «أَفَغَيْرَ اللَّهِ أُبْتَغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا...» (انعام/۱۱۴) «قرآن» را به تفصیل به سوی شما فرو فرستاده است. تمییز دادن احادیث صحیح از احادیث ناصحیح نیز در واقع یک نوع داوری است؛ لذا با معیار قرار دادن قرآن در احادیث، داوری را به قرآن می سپاریم. در روایات معصومین (ع) نیز بیان شده است که امر به عرضه روایات به قرآن کریم نموده اند. هشام بن حکم از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «پیامبر (ص) در منی خطبه خواند و در ضمن آن فرمود: ای مردم! آنچه از من به شما رسد، اگر مطابق قرآن کریم بود، من گفته ام و اگر موافق قرآن کریم نباشد، من نگفته ام». (کلینی، ۱۲۲/۱). در روایتی دیگر امام صادق (ع) درباره معیار بودن قرآن و سنت فرموده اند: «هر چیزی به قرآن کریم و سنت بازگشت دارد و هر حدیثی که موافق کتاب خدا نباشد، آن سخن گزاف است». (کلینی، ۱۲۱/۱) علامه شعرانی معیار موافقت روایت با قرآن کریم را ضروری می داند و می نویسد: اگر مضمون حدیثی با قرآن موافق بود، نیازی به بررسی رجال و سند آن نیست. (فیض کاشانی، ۱/۲).

شایان ذکر است که اگر معنای روایتی مخالف قرآن بود، حتی با وجود صحت سند هم نمی توان جبران این ضعف را نمود. منظور از مخالفت حدیث با قرآن کریم، مخالف مطلق و تباین کلی است.

معیار مهم دیگر عرضه حدیث بر سنت قطعی است که مانند عرضه بر قرآن کریم است. زیرا خداوند در قرآن کریم به اطاعت از پیامبر (ص) همچون اطاعت از خودند فرمان داده است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» همچنین در ایه ۸۳ سوره نساء «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ لَأَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» «برای تشخیص حق از باطل مردم را به پیامبر (ص) و اوالی الامر که طبق روایات، اهل بیت (ع) هستند (برقی، ۲۶۸/۱، ح ۳۵۶) رجاع داده شده است.

احادیثی نیز بر معیار بودن سنت دلالت دارد، از امام صادق (ع) نقل شده است: از جانب ما حدیثی قبول نکنید، مگر اینکه آن حدیث موافق قرآن

و سنت باشد یا برآن احادیث گذشته ما شاهدی وجود داشته باشد. (مجلسی، ۲۴۹/۲-۲۵۰).

عدم مخالفت حدیث با عقل

یکی دیگر از معیارهای سنجش احادیث، مخالف نبودن حدیث با عقل است همچنانکه قرآن عقل را معیار شناخت حق از باطل معرفی می کند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۱۸) در روایات نیز عقل معیار سنجش صدق و کذب معرفی شده است. ابن سکیت از امام رضا(ع) می پرسد: امروز چه چیزی بر مردم حجت است؟ امام فرمودند: عقل، زیرا توسط عقل نسبت دهنده راست به خداوند و نسبت دهنده دروغ به خداوند شناخته می شود. (کلینی، ۲۵/۱).

بررسی سلامت متن روایت

اصالت سنجی تک تک واژگان و عبارات حدیث، از جهت اینکه آیا تمام این کلمات از زبان معصوم صادر شده است؟ زیرا براساس تاریخ تدوین حدیث غالب روایات به صورت شفاهی و با بهره گرفتن از قوه حافظه منتقل شده است. و تاخیر در تدوین حدیث، احتمال تغییر در سطح الفاظی که راویان از معصومین(ع) شنیده بودند را موجب می شود. این تغییر و تبدیل ها در علم حدیث با عناوینی چون نقل به معنا، تصحیف، تحریف و تقطیع و... یاد می شود.

استفاده از این روش به ویژه درباره روایات طبی در آثار محدثان بزرگی مثل شیخ صدوق تأکید شده است وی ورود روایات جعلی توسط دشمنان جهت تخریب مذهب شیعه، اشتباهات راویان در نقل را یادآور شده و نقش تقطیع روایت را در بدفهمی روایات پزشکی بسیار حائز اهمیت می داند. (ابن بابویه الف/۱۱۵) وی مجموعه احادیث طبی را با توجه به متن و سند به انواع ذیل تقسیم می کند:

۱. احادیثی که مطابق شرایط مکه و مدینه صادر شده و برای مناطق جغرافیایی دیگر، درست نیست.
۲. احادیثی که مطابق وضعیت سائل است.
۳. احادیثی که دشمنان جهت تخریب مذهب وارد کرده اند.
۴. احادیثی که راویان در نقل دچار سهو شدند.
۵. احادیثی که به سبب تقطیع، ناقص شده است و نمی توان به آن استناد کرد مانند آنچه درباره غسل روایت شده است که «شفاء من کل داء» اما مراد، شفای دردی است که از سردی ناشی شده باشد نه هر درد و بیماری، همچنین آنچه در شفابخشی بادنجان ذکر شده است مربوط به زمانی است که فرد در حال خوردن رطب است نه هر زمانی دیگر. (ابن بابویه ب/۱۱۵)

عدم رکاکت لفظی و غرائب لفظی

پاره ای از روایات متضمن الفاظ غریب است. مقصود از الفاظ غریب، کلمات پیچیده ای است که به دلیل قلت استعمال، فهم آن با دشواری همراه است. (محمد ابوزهو، محمد؛ الحديث و المحدثون/۴۷۴). ورود الفاظ غریب در روایات نبوی در بسیاری از مواضع، از عوارض نقل به معنی در حدیث بوده و در نتیجه در صحت انتساب این گونه روایات به پیامبر(ص) جای تردید وجود دارد. عدم رکاکت لفظ، یکی دیگر از معیارهای حدیث صحیح است. پیامبر(ص) فرمودند: هرگاه از من حدیثی شنیدید که دلہایتان به آن گواهی داد و مو و پوست بدنانتان آن را دوست داشت و دیدید که به شما نزدیک است، بدانید که من به آن سخن از شما نزدیک ترم، اما اگر از قول من سخنی شنیدید که دلہایتان با آن آشنا نبود و موها و پوستتان از آن سخن خوشش نیامد و دیدید که از شما دور است بدانید که من به آن سخن از شما دورترم. (متقی هندی، ۱۷۸/۱، ج ۹۰۲).

مخالف نبودن حدیث با تجربه و دستاوردهای قطعی علم

یکی از معیارهای پذیرش حدیث مخالفت نداشتن با تجربه و علم روز است. حتی اگر از جهت سند یا متن مشکلی نداشته باشد. شایان ذکر است منظور از تجربه و علم، نتایج قطعی غیر قابل خدشه است، نه فرضیه های علمی که ممکن است در آینده خلاف آن اثبات شود. یکی از زمینه هایی که بر دلالت روایات طبی تأکید می شود، پاسخ به شبهاتی درباره تعارض روایات با علم طب است. (ابن جوزی/۷۹-۸۴) با عنایت به این نکات، پذیرش تعبدی مفاد روایات طبی منتفی شده و راه برای تصادم مفاد روایات طبی با آموزه های قطعی علم طب، هموار می شود؛ زیرا حتی با فرض صحت سند یک روایت طبی، احتمال خطای راوی در نقل کامل و صحیح و یا رهیافت تصحیف در متن روایت همچنان

وجود دارد؛ در این صورت مؤمن از روی تعبد به متن روایت عمل کند یا تسلیم دستاورد طبی باشد؟ با توجه به اینکه آموزه های طبی، تجربه پذیرند، چرا راه پذیرش به تعبد محدود شود؟! روشی که خود ائمه معصومین ع در مناظرات به کار می گرفتند استفاده از عقل و براهین عقلی به عنوان معیار داوری است. از همین رو به ویژه در دوران معاصر این قاعده وضع می شود که روایات طبی نباید مخالف اصول و قواعد مسلم علم پزشکی باشد و چنانچه این تعارض به وجود آید، باید روایت را به کنار نهاد. (نصیری، علی، «تبارشناسی روایات طبی» جستارهایی در اعتبار سنجی و فهم روایات طبی، ص ۱۰۱).

اما باید به این نکته هم توجه کرد که اگر پذیرش روایات را تنها منوط به تجربه، آزمایش و دستاورد های قطعی علم بدانیم؛ یعنی گفتار معصوم را فقط در صورت انطباق با علم، قابل پذیرش دانسته ایم؛ در صورتی که وجود ایات و روایات خود شاهد و اعتباری بر استدلال ها و براهین عقلی است ضمن اینکه ممکن است کلام معصوم (ع) حاوی نکاتی فراتر از دستاوردهای علمی امروز بشری باشد و با گذشت زمان هویدا و اثبات شود. در چنین مواردی اگر تنها به تجربه علمی استناد شود آن آموزه و روایت کنار گذاشته می شود. برای مثال توصیه اسلام به مسواک زدن با چوب مخصوص مسواک است که پس از قرن ها ارزش علمی آن با تحقیقات ثابت شد.

نقد بیرونی در بررسی روایات طبی سنجش اصالت کتاب یا روایت

در طب مأثور چندین کتاب به معصومین (ع) منسوب شده است که معروف ترین آنها طب الرضا یا رساله ذهبیه است. بحث و نظر درباره انتساب این کتاب زیاد است. دیدگاه مشهور آن است که این روایات یا نوشته خود حضرت (ع) یا گفتارهای حضرت (ع) است که به صورت مکتوب درآمده است. این مدعا در مقدمه اثر نیز بیان شده است. (طب الرضا، ۶-۸). شروح گوناگونی نیز در زمان های مختلف بر این اثر نوشته شده است. برای نمونه (اقابزرگ تهرانی، ۴۶/۱۰-۴۷) اما پژوهش هایی در زمینه انتساب این اثر به امام رضا (ع)، نشان داده است که صحت این انتساب، ثابت نیست و نمی توان به عنوان یک سنت آن را پذیرفت. (طباطبایی و نصیری، ۳-۳۲) حتی در پژوهشی دیگر نشان داده شده که علامه مجلسی نیز تردیدهایی در صحت اعتبار این رساله داشته است. (عابدی و همکاران، ۱۲۵-۱۴۵)

اثر مشهور دیگر، طب الائمه است که شهرت فراوانی دارد؛ اثری که به عبدالله و حسین، فرزندان بسطام بن شاپور نیشابوری، از محدثان شیعی قرن چهارم، منتسب است. احادیث این کتاب به وفور در جوامع روایی متأخر شیعه از جمله وسایل الشیعه و بحارالانوار، ذکر شده است. اما در درستی انتساب روایات این کتاب به معصومین (ع)، نقدهای فراوانی مطرح است. از جمله اینکه روایات آن را جعلی و مبتنی بر طب اسطوره ای (بهبودی، ۲۰۸) و میراثی از غلات مخمسی شیعه قلمداد شده است. (انصاری، ۶۹۳-۷۰۳). در بین اهل سنت نیز تلاش هایی برای نقد روایی انجام شده است که روایات ضعیف یا ساختگی در موضوع طب را گرد آورده است. (ابن ابی حاتم، ۳۲۰/۲-۳۲۹). همچنین بخشی از موسوعه الاحادیث و الآثار الضعیفه و الموضوعه را نیز می توان در این مقوله اشاره کرد که روایات جعلی و ضعیف را در موضوع طب، گردآوری نموده است. (حلبی . دیگران، ۳۳۶/۱۴-۳۷۳). (میرحسینی، یحیی، مقاله «مروری تاریخی بر مفهوم و جایگاه طب النبی و طب الائمه» جستارهایی در اعتبار سنجی و فهم روایات طبی، ص ۶۷).

نتیجه:

روایات طبی و پزشکی، مورد توجه عموم مسلمانان به ویژه اهل حدیث و طبیبان بوده، و مباحث گسترده ای در این زمینه پدید آمده است. دو رویکرد افراطی و تفریطی در مواجهه با این دسته روایات وجود دارد که گاه حفظ تندرستی و شفا را تنها در این آموزه ها دانسته اند و یا در مقابل، به دیده تردید بدان نگریسته و توجه چندانی به این مقوله ندارند. اما در رویکرد اعتدالی، در مراجعه به احادیث طبی نگاهی عالمانه دارد که با احراز تخصص، می توان به روایات طبی مراجعه و از آن استفاده نمود. با توجه به فاصله گرفتن از عصر حضور ائمه معیارهای نقد بیرونی و درونی روایات می تواند اصالت احادیث و کتب روایی و نسبت صدور آنان را روشن نماید در اعتبار سنجی سندی روایات طبی، روایات متواتر محفوف به قرائن نزد همگان حجت است. روایت طبی راویان ثقه نیز نزد قائلان به حجیت مطلق خبر واحد و قائلان به حجیت خبر واحد در غیر عقاید، حجت است. اما معتقدان به عدم حجیت خبر واحد غیر محفوف به قرائن و معتقدان به حجیت خبر واحد در فقه، خبر واحد طبی را حجت نمی دانند. در اعتبار سنجی متنی و محتوایی و بیرونی روایات طبی معیارهای عمومی نقد متن نظیر عدم تعارض با قرآن و سنت قطعی، عقل و عدم مخالفت با تجربه و دستاوردهای قطعی علم مورد توجه است. در نقد بیرونی بررسی اصالت کتب طبی و یا تک تک روایات منسوب از حیث انتساب واقعی شان با معصومان (ع)، همچنین مواردی نظیر سلامت متن و الفاظ و وجود آسیب هایی نظیر نقل به معنا، تحریف و تصحیف و تقطیع حائز اهمیت است. این مهم امروزه اهمیت بیشتری یافته است زیرا اقبال عمومی به طب بر اساس آموزه های پیشوایان دینی رو به افزایش است و می توان امید داشت که با رویکردی روشمند، از احادیث معصومان (ع) برای تکامل طب جامع و سلامت جامعه بهره برد.

منابع:

- قران کریم؛ با استفاده از ترجمه های محمد آیتی و محمد مهدی فولادوند.
- آقابزرگ تهرانی، الذریعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین؛ الارض و التربه الحسین، المجمع لاهل البيت، قم، ۱۴۱۶.
- ابن اثیر الجزری، غزالدين؛ اسعد الغابه فی معرفه الصحابه؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵.
- ابن بابویه، محمدبن علی؛ اعتقادات الامامیه، قم، ۱۴۱۴
- _____؛ الخصال، قم، ۱۳۶۲، ب.
- ابن بسطام، عبدالله و حسین؛ طب الائمه، قم، ۱۴۱۱.
- ابن خلدون، عبدالرحمن؛ تاریخ، به کوشش خلیل شحاده، بیروت، ۱۴۰۸.
- ابن شعبه حرانی، حسن؛ تحف العقول؛ قم، ۱۴۰۴.
- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان؛ مقدمه ابن صلاح، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۰۶.
- ابن طاووس، علی بن موسی؛ فرج المهموم، قم، منشورات الرضی، بی تا.
- ابن عبدالبر؛ الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، به کوشش علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجلیل، ۱۹۹۲.
- ابن غیاث الدین، محمد علائی؛ کلیات مجمع الدعوات الکبیر، بیروت، ۱۴۲۸.
- ابن ماجه، محمد بن یزید؛ سنن، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، بی تا.
- ابن قیم، محمد بن آیوب؛ زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۷.
- ابوداود سجستانی آزدی، سلیمان بن أشعث؛ سنن ابی داود، بیروت، داراحیاء السنه النبویه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ الجامع صحیح، بیروت، ۱۴۰۱.
- پاکتچی، احمد؛ پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، ۱۳۹۲.
- _____؛ جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طبّی، انتشارات طب سنتی ایران، تهران، ۱۳۹۶.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۴۰۱.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- خواجه نصیرالدین طوسی؛ تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، بیروت، ۱۴۰۵.
- شبر، عبدالله؛ طب الائمه، بیروت، ۱۴۲۸.
- شریف قریشی، باقر؛ زندگانی حسن بن علی(ع)، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۵۲.
- سخنرانی ایت الله مصباح در همایش طب النبوی صلی الله علیه و آله در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۱.
- طب الرضا(ع)/الرساله الذهبیه؛ قم، ۱۴۰۲.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ المیزان، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
- طباطبائی، سید محمد کاظم و هادی نصیری؛ «پژوهشی در اعتبار رساله ذهبیه»، نشریه علوم حدیث، شماره ۶۳، بهار ۱۳۹۱، صص ۳-۳۲.
- عابدی، احمد و جعفرنکونام. هادی نصیری؛ «تردیدهای اشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه»، مجله پژوهش دینی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- فیض کاشانی، محسن؛ کتاب الوافی، اصفهان، کنگره امام امیرالمومنین علی (ع)، ۱۴۳۰.
- قمی، عباس؛ منتهی الامال فی تواریخ النبوی، قم، دلیل ما، اول، ۱۳۷۹.
- کنانی، عبدالحی؛ نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه ذکاوتی، قم، سمت، ۱۳۸۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، به کوشش عای اکبر غفاری، تهران، ۱۳۵۶.
- مامقانی، عبدالله؛ مقباس الهدایه فی علم الدرايه، قم، مؤسسه آل بیت(ع)، ۱۴۱۱.
- متقی هندی، علاءالدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، الرساله، ۱۹۸۹.

مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار؛ بیروت، ۱۴۰۳.

مفید، محمد بن محمد؛ تصحیح اعتقادات الامامیه، به کوشش درگاهی، حسین، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴.

_____؛ الامالی، دارالمفید، بیروت، ۱۹۹۳.

مؤدب، رضا؛ علم الحديث، قم، احسن الحديث، ۱۳۷۸.

نهج البلاغه

واقفی، محمد بن سعد؛ الطبقات الكبرى، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.